

مثل کتاب البیع و یا به گونه مستقل بطور مفصل به بحث فقهی نشسته‌اند. مرحوم شیخ مرتضی انصاری آن را در ضمن کتاب البیع مکاسب مفصلاً بحث کرده است.^{۷۳} اما سید محمد بحرالعلوم، ملا احمد نراقی، فاضل دربندی، میرفتاح حسینی مراغی و بسیاری دیگر از فقها، آن را بطور مستقل بحث کرده‌اند.^{۷۴}

۳- افزایش شمار تک‌نگاریها در فقه حکومتی اسلام نیز از جمله مشخصات این دوره از تاریخ فقه است. بحث در مسائل ارضی و خراجی، بحث فقهی در اوزان و مقادیر، بحث منفرد و مستقل در مسائل جهاد و غیر اینها، در این دوره افزایش چشمگیری داشته است، به گونه‌ای که فقط تحت عنوان رساله جهادیه بیش از ۱۲ کتاب مستقل راجع به جهاد نگاشته شده است.^{۷۵}

۴- تمرکز نسبی مباحث فقه حکومتی نیز یکی دیگر از ویژگیهای این دوره از تاریخ اسلام است، به گونه‌ای که فقهای برجسته‌ای مانند ملا احمد نراقی، میرفتاح حسینی صاحب عناوین، فاضل دربندی صاحب خزائن الاحکام، سید محمد بحرالعلوم صاحب بلغة الفقیه در کتاب‌های یاد شده‌شان مباحث و فصول مستقلی را به بحث درباره ولایت فقیه و حدود اختیارات او اختصاص داده، و با توجه به دوره تاریخی خاص خودشان حق مطلب را ادا کرده‌اند.

چنانکه بحثهای منسجمی نیز در کتب این دوره راجع به تدوین مسائل مربوط به خراج و احکام اراضی دیده می‌شود که بسیار جالب است. مانند مرحوم ملامحمد مهدی نراقی (پدر مرحوم ملا احمد نراقی) در مشارق الاحکام^{۷۶}، سید محمد بحرالعلوم در بلغة الفقیه^{۷۷}، شیخ مرتضی انصاری در مکاسب^{۷۸}، راجع به این موضوع مباحث مستقل و جالبی انجام داده‌اند. بخشهای مشابه دیگر نیز از سایر فقهای این دوره در این زمینه و زمینه‌های سیاسی، مالی و حکومتی دیگر دیده می‌شود که در مجموع بیانگر حصول تمرکز نسبی در مباحث فقه حکومتی در این دوره هستند.

۵- حضور و تأثیرگذاری و رهبری مستقیم فقها در حرکت‌های سیاسی و نظامی ضد استعماری و ضد استبدادی جهان اسلام نیز از جمله ویژگیهای این دوره از تاریخ فقه حکومتی اسلام است. مصادیق و نمونه‌ها در این زمینه بسیار فراوان است و ما فقط به برخی

۷۳. مکاسب، ج ۳۰۴/۹ به بعد، تصحیح کلانتر.

۷۴. بحرالعلوم در بلغة الفقیه، نراقی در هوائدالایام، فاضل دربندی در خزائن و میرفتاح حسینی در هتاوین مفصلاً آن را بحث کرده‌اند و ما بعداً به اینها اشاره مفصل‌تری خواهیم داشت.

۷۵. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۹۸/۵-۲۹۶، مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی، چاپ بیروت.

۷۶. مشارق الاحکام ۱۱۱/۹۵-، (المشرق السابع)، ملا محمد مهدی نراقی، چاپ سنگی ۱۲۹۴ ه.ق.

۷۷. بلغة الفقیه، ج ۲۵۲/۱-۲۰۹، چاپ جدید.

۷۸. مکاسب ۷۸-۷۵، چاپ سنگی به قطع رحلی.

از آنها اکتفا می‌کنیم.

در این عصر برای مقابله با هرج و مرج طلبان بومی استعمار در حجاز موسوم به «وهابی‌ها» علما و فقهای عراق به رهبری مرحوم شیخ جعفر کاشف‌الغطا نخستین نیروهای مسلح بسیجی و مردمی را تأسیس و تشکیل دادند که نقش مؤثر در دفاع از حرم مقدس نجف و کربلا و حفظ امنیت آن مناطق ایفا کردند. همینطور فقهای اسلام به رهبری آیت‌الله مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی در ضمن یک حرکت سیاسی و نظامی، انگلیس را در عراق شکست داده و استقلال آن کشور را به دست آوردند. چنانکه مقابله سیاسی آیت‌الله میرزا محمد حسن شیرازی با دیکتاتوری و عنان‌گسیختگی ناصرالدین شاه و لغو قرارداد رژی از جمله نمونه‌های بارز شکوفایی عملی فقه حکومتی و سیاسی اسلام است.

حرکت مراجع تقلید ایران و عراق امثال آیت‌الله شیخ محمد کاظم خراسانی صاحب کفایه و غیره و تأسیس نظام حکومتی مشروطه و سرنگون‌سازی نظام سلطنتی و در پی آن حضور فعال فقهای همچون آیت‌الله نائینی و آیت‌الله سیدحسن مدرس و امثال اینان در صحنه‌های سیاسی، نظامی و اجتماعی جهان اسلام نمونه دیگری از این حضور و رهبری مستقیم فقهاست.

و در نهایت مبارزات طولانی علما با دستگاه دیکتاتوری رضاخانی و فرزند او و وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی و همراهی علما و فقهای دیگر، نمونه زنده دیگری از ویژگی و تحول یاد شده در تاریخ حکومتی اسلام است که همه اینها عملاً وقوع یافته است.

۶- انجام تحقیقات و مطالعات مقارن و تطبیقی در فقه حکومتی اسلام و حقوق سیاسی و اقتصادی رایج و مرسوم در جهان کنونی نیز از جمله ویژگیهای این دوره از تاریخ فقه حکومتی اسلام است. چنانکه انجام مطالعات و بحوث مقارن و تطبیقی در داخل مذاهب فقهی اسلام راجع به مسئله حکومت و فروع آن نیز از خصوصیت‌های نوین این دوره از تاریخ فقه حکومتی است که در این دو زمینه فقیه بزرگوار آیت‌الله شهید صدر و فقیه عالیقدر و مجاهد حضرت آیت‌الله العظمی منتظری پیشاهنگ بوده‌اند.

اینها که بیان گردید، ویژگیهای عمومی و کلی فقه حکومتی در تاریخ معاصر اسلام است. اکنون برای تکمیل بحثمان از بعد نظری، مطالب و نمونه‌هایی را از آرای برخی از فقهای برجسته این دوران راجع به مسائل حکومتی نقل کرده و به بحثمان در این زمینه پایان می‌دهیم.

چنانکه گفته شد، فقهای صاحب‌نظر و صاحب اثر در فقه حکومتی اسلام در این دوره زیاد بوده‌اند که پرداختن به نقل و بررسی آرای همه آنان در اینجا میسر نیست، لذا به برخی از آنان اکتفا خواهیم کرد:

۱ - شیخ جعفر کاشف الغطا: کاشف الغطا که معاصر فتحعلی شاه قاجار در دوره حمله روسها به ایران بوده، فقیهی زمان شناس و سیاست آشنا بوده است. او علاوه بر عمل سیاسی، دارای آثار و فتاوایی در زمینه فقه حکومتی است. مبحث جهاد او در کتاب کشف الغطاء یکی از بالاترین و بهترین آثار در مسائل فقه حکومتی اسلام است. برخی از آرای برجسته او در فقه حکومتی اسلام، اینها هستند:

۱ - اعتقاد به ولایت فقیه و حق دخالت او در امور سیاسی، نظامی و دیگر شئون زندگی اجتماعی مردم مسلمان به عنوان نایب الامام.

۲ - اعتقاد و تصریح به این مسئله که پادشاه، امیر و حاکمی که منصوب فقها و مأذون از جانب آنان نباشد، حکومتش مشروعیت ندارد.

۳ - اعتقاد به لزوم تأسیس حکومت اسلامی توسط فقیه در صورت امکان. اکنون برخی از اقوال او را که نشانگر دیدگاههای فوق است، نقل می‌کنیم:

«حدود و تعزیرات کلاً بر عهده امام معصوم و یا نایب خاص او، یا نایب عام یعنی فقیه و مجتهد است. بنابراین برای مجتهد جایز است که در زمان غیبت امام علیه السلام آن را اقامه کند و بر همه مکلفین نیز واجب است او را در تحقق این مقصود یاری کنند و قدرتمندان و زورگویان را از او دفع کنند، در صورت امکان، و نیز واجب است که مجتهد در صورت داشتن تأمین فتوا بدهد و در این امور جایز نیست، جز مراجعه به مجتهد زنده^{۷۹}»

«... جایز نیست بردن دعوی و مرافعه جز به نزد مجتهد و هر کس در این امور به غیر مجتهد مراجعه کند از راه حق خارج شده است... اگر غیر مجتهد رئیس مسلمین شده باشد بر حکومت جائز نیست که قاضی نصب کند و یا شیخ الاسلام نصب کند، مگر به اذن مجتهد. و...^{۸۰}»

صاحب جواهر الکلام از کاشف الغطا نقل می‌کند که فقیه حق نصب سلطان و تأسیس حکومت در زمان غیبت دارد و اگر چنین کاری کرد، سلطنت آن دولت و سلطان طاغوتی محسوب نمی‌شود:

«... استاد در شرح خود گفته است اگر فقیه منصوب برای نیابت عامه از جانب معصوم (یعنی فقیه در زمان غیبت) سلطان و حاکمی را برای اهل اسلام تعیین و نصب کند، او را نمی‌توان حکومت غیر مشروع و جائز دانست، چنانکه در میان بنی اسرائیل چنین بود که حاکم شرعی و حاکم عرفی هر دو از طرف شرع منصوب می‌شدند.^{۸۱}»

کاشف الغطا به هنگام وقوع جنگ ایران و روس به عنوان «ولی فقیه» به فتحعلی شاه

۷۹. کشف الغطاء / ۴۲۰، چاپ سنگی، افست اصفهان، انتشارات مهدوی.

۸۰. همان مدرک و همان صفحه.

۸۱. جواهر الکلام، ج ۱۵۶/۲۲، چاپ بیروت.

قاجار اذن داد که فرماندهی نیروها را به عهده گرفته و مخارج جنگ را نیز هر مقدار که لازم باشد، از اموال شخصی مردم اخذ و تهیه کند. اکنون خلاصه ترجمه آن از کتاب کشف الغطاء آورده می شود:

«در صورتی که امام معصوم غایب باشد، و یا حتی اگر ظاهر باشد، اما دسترسی به او و گرفتن اذن جهاد امکان پذیر نباشد، بر مجتهدان واجب است که به جهاد دفاعی قیام کنند و مجتهد افضل بر دیگران مقدم است که باید یا خودش و یا شخصی به اذن او فرماندهی و رهبری جنگ را برعهده بگیرد. و...»

اکنون نیز که روسهای پست و غیر آنان به خاک مسلمین تجاوز کرده اند بر همه اشخاص اهل تدبیر و سیاست و غیره واجب است که بجنگند. و... چون اذن گرفتن از مجتهد برای امرای اهل تدبیر و سیاست نیز موافق احتیاط است و به رضایت خدا نزدیکتر، لذا من چون مجتهد هستم و قابلیت و نیابت از سادات زمان (ائمه معصومین علیهم السلام) را دارم، به سلطان بن سلطان خاقان بن خاقان،... فتحعلی شاه اذن دادم که آنچه برای هزینه جنگ لازم است، از همه وجوه شرعی و خراج و درآمد زمینهای مفتوح العنوه و اموال مرزنشینان و غیر مرزنشینان در صورت لزوم اخذ و هزینه جنگ را تأمین و بر هر مسلمانی واجب است که در این موارد، امر سلطان را اطاعت کند.^{۸۲}

۲ - ملا احمد نراقی: ملا احمد فرزند ملامحمد مهدی نراقی صاحب کتاب مشارق الاحکام در کتاب ارزشمند عوائد الایام شاید برای نخستین بار در تاریخ فقه حکومتی اسلام، مباحث ولایت فقیه را گردآوری و به گونه منسجم و منضبط بحث کرده است. مرحوم نراقی مبتکر این شیوه از بحث درباره ولایت فقیه و حکومت اسلامی است، لذا او را باید یکی از تحول آفرینان جدی در تاریخ فقه حکومتی اسلام به شمار بیاوریم. نراقی کتاب عوائد الایام خود را به جای واژه هایی از قبیل «باب»، «فصل»، «قسم» و غیره «عائده» نامگذاری کرده و یک «عائده» را به بحث ولایت فقیه و حکومت اسلامی اختصاص داده است.

او معتقد است کلیه اختیارات و حقوق حکومتی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در زمان غیبت، به فقیه جامع الشرایط منتقل می شود، و او حق دارد در کلیه امور مربوط به اصلاح دین و دنیای مردم و نظام اجتماعی آنها که عقلاً و عرفاً لازم الاجرا به نظر می رسد دخالت و اعمال ولایت نماید.^{۸۳} این قسمت از کتاب او به فارسی ترجمه و به نام حدود ولایت حاکم اسلامی منتشر شده است.^{۸۴}

۳ - میرفتاح حسینی مراغی: او نیز معاصر فقیه بزرگوار ملا احمد نراقی بوده و در کتاب

۸۲. کشف الغطاء / ۳۹۴ (با تلخیص و تصرف نقل شد).

۸۳. عوائد الایام / ۲۰۶-۱۸۵، بویژه صفحات ۱۸۷، ۱۸۸.

۸۴. حدود و اختیارات حاکم اسلامی، ترجمه و چاپ وزارت ارشاد اسلامی، اسفندماه ۱۳۶۵ ه.ش.

خود به این معاصرت و فضل تقدم و سابقه فاضل نراقی در بحث کلاسیک و مدون از ولایت فقیه اعتراف کرده است.^{۸۵}

میرفتاح نیز که یکی از فقهای بزرگ شیعه و متوفای ۱۲۵۰ ه.ق است، یک فصل (یک عنوان) از کتاب گرانقدر خود موسوم به العناوین را به بحث حکومت اسلامی و ولایت فقیه اختصاص داده است. بحث او جمع و جورتر و منظمتر از فاضل نراقی به نظر می‌رسد و نیز نسبت به او دارای دیدگاههای جدیدتری است.

یکی از نکات جدید و جالب در بحث او، این است که بعد از تقسیم «ولایت فقیه» به چند شق و احتمال، می‌گوید: ولایت فقیه یکی از احکام شرع اسلام است، یعنی نه جنبه نیابتی دارد و نه جنبه انتصابی، بلکه یک حکم شرعی مستقل است، نصب شدن فقیه برای ولایت از جانب امام علیه السلام نیز جنبه کاشفیت دارد.^{۸۶} به این صورت استحکام بیشتری برای ولایت فقیه به وجود می‌آورد و در نتیجه همه اختیارات حکومتی پیامبر صلی الله علیه و آله را برای فقیه جامع الشرایط نیز قائل می‌شود. قابل ذکر است که مباحث میرفتاح حسینی در عناوین، ضمن غنی، تازه و پربار بودنش یکی از ناشناخته‌ترین مباحث فقه حکومتی در حوزه‌های علمیه است.

۴ - صاحب جواهر: امام‌المحققین، مرحوم شیخ محمد حسن نجفی مؤلف دائرةالمعارف فقهی جواهرالکلام از شاگردان کاشف‌الغطا و متوفای ۱۲۶۶ ه.ق است. هرچند که او باب و فصل خاصی از کتاب خود را به ولایت فقیه اختصاص نداده، لکن از مدافعان جدی آن است، و به گونه متفرقه در جواهر، آن را بحث و ثابت کرده است.

او به جز ولایت فقیه، مباحث زیادی از فقه حکومتی مانند جهاد، حدود، امر به معروف و نهی از منکر، ولایت سلطان جائز و غیره را بسیار مفصل بحث کرده است.

صاحب جواهر، اعتقاد به ولایت فقیه را از ضروریات فقه اسلام می‌داند و می‌گوید:

«ظاهر عمل و فتوای اصحاب، یعنی فقهای امامیه این است که به عمومیت ولایت فقیه معتقدند و آن را از مسلمات و بلکه از ضروریات می‌دانند.»^{۸۷}

از جمله مواردی که صاحب جواهر راجع به ولایت فقیه و فقه سیاسی اسلام بحث کرده، جلد ۲۱ و ۲۲ جواهرالکلام است که بحثهای جالبی دارد.^{۸۸}

۵ - فاضل دربندی صاحب خزائن: میرزا آقا دربندی یکی از فقهای بزرگ و به فاضل

۸۵. العناوین / ۳۲۶، چاپ سنگی، تبریز ۱۲۷۴ ه.ق.

۸۶. همان مدرک / ۳۵۸.

۸۷. جواهرالکلام ج ۱۶/۱۷۸: ظاهرالاصحاب فی سائر الابواب عمومها، بل لعله من المسلمات اوالضروریات عندهم.

۸۸. جواهر. ج ۲۲/۲۰۳-۱۵۵، ج ۱۶/۱۷۷-۱۷۸، ج ۱۱-۱۴، ج ۲۱/۴۱۰-۳۹۳، ج ۴۰/۲۷-۷.

دربندی مشهور است. او کتابی در فقه و اصول فقه دارد که خزائن الاحکام نام دارد و بطور خلاصه «خزائن» نیز می‌گویند. خزائن یکی از گنجینه‌های میراث فقهی آل محمد علیهم‌السلام و بسیار غنی است.

او در کتاب ارزشمند خود بحث مستقل و گسترده و عمیقی تحت عنوان «خزینة فی القواعد المتعلقة بالاحکام والولايات» دارد که ضمن آن ضرورت تأسیس حکومت اسلام و ولایت فقها در عصر غیبت را ثابت کرده است. او نخست ولایت پیامبر و ائمه را ثابت کرده و سپس در صورت فقدان و یا غیبت آنان ولایت فقها را. آنگاه حدود ولایت فقها را بیان نموده و در پایان بحثی کرده است راجع به «ولایت عدول مؤمنین» که در صورت نبودن فقیه آنان باید امور ضروریة مسلمین را تدبیر و اداره کنند و از هرج و مرج جلوگیری نمایند. و...^{۸۹}

۶- شیخ مرتضی انصاری: فقیه مؤسس و علامه کم‌نظیر مرحوم شیخ انصاری رضوان‌الله علیه، نیز از جمله فقهای است که موجب تکامل و تعمیق بسیاری از مسائل و فروع فقه حکومتی اسلام گردیده است. محورهای عمده فقه حکومتی که مورد بحث اجتهادی مرحوم شیخ قرار گرفته‌اند به قرار ذیل است:

۱- بحث گسترده، عمیق و انتقادی و اجتماعی درباره ولایت فقیه و اختیارات او در زمان غیبت امام علیه‌السلام.^{۹۰}

۲- بحث گسترده و عمیق در رابطه با جواز و عدم جواز قبول حکومت و ولایت از طرف حکومت جائز، و تبیین جزئیات این مسئله.^{۹۱}

۳- بحث فقهی درباره حکم اراضی و مسائل خراج و مقاسمه.^{۹۲}

۴- بحث فقهی جالب درباره جواز و عدم جواز اخذ جوایز سلطان جائز و کیفیت معامله و مراوده با او و دستگاهش.^{۹۳}

۵- بحث فقهی و استدلالی جامع و جالب درباره «تقیه» و کیفیت زندگی اهل ایمان در شرایط خفقان و زیر سلطه حکام جائز. شیخ به این موضوع یک رساله مستقل را اختصاص داده، و در این بحث گوی سبقت را از همه فقها ربوده است.^{۹۴} شیخ انصاری مباحثی هم درباره فقه مالی (خمس، انفال، زکات) دارد که بسیار جالب است و به ضمیمه کتاب قطور او به اسم «کتاب الطهاره» چاپ شده است. در معرفی جایگاه شیخ انصاری در تاریخ فقه

۸۹. خزائن، جزء پایانی کتاب، ص ۱ الی آخرین برگ کتاب.

۹۰. مکاسب / ۱۵۷-۱۵۳، چاپ سنگی، به خط طاهر خوشنویس.

۹۱. همان مدرک / ۵۹-۵۵.

۹۲. همان مدرک / ۷۸-۷۵.

۹۳. همان مدرک / ۷۵-۶۷.

۹۴. مکاسب / ۳۲۰ به بعد (رساله فی التقیه).

حکومتی اسلام به همین مقدار اکتفا کرده و از ادامه نمونه‌های دیگری پرهیز می‌کنیم، تا موجب تطویل بیش از حد کلام نشود. آن بزرگوار در سال ۱۲۸۱ ه. ق درگذشت.

۷ - بحر العلوم صاحب بلغة الفقیه: نام این فقیه بزرگوار سید محمد آل بحر العلوم و از اعقاب علامه سید مهدی بحر العلوم رحمته می‌باشد. او مدتی زعامت و ریاست حوزه علمیه نجف را بر عهده داشته و از مراجع معظم تقلید در زمان خود بوده و در سال ۱۳۲۶ ه. ق درگذشته است.

بحر العلوم یکی از بزرگترین فقهای مؤلف در زمینه فقه حکومتی است. کتاب بلغة الفقیه نشانگر عظمت و توان فقهی این فقیه بزرگ است که متشکل از چندین کتاب و رساله و بحث مستقل در فقه می‌باشد. دو رساله بزرگ از این مجموعه سه جلدی ارزشمند به «فقه حکومتی اسلام» تعلق دارد. یکی رساله‌ای است در حل مشکلات ارضی و مسئله خراج^{۹۵} و دیگری به اسم «رساله ولایات» درباره ولایت فقیه و حکومت اسلامی^{۹۶}. بحر العلوم در هر دو زمینه یاد شده پرنویس‌ترین فقیه تا زمان خود است و با تحقیقات خود خدمتی ارزشمند به تحول و گسترش فقه حکومتی اسلام کرده است.

نقد و بررسی و تحلیل و تفسیر آرا و فتاوی این فقیه بزرگ فرصت مناسب دیگری لازم دارد و کاملاً شایسته توجه می‌باشد.

۸ - آیت الله نائینی: فقیه و اصولی برجسته، تلاشگر و متعهد شیعه آیت الله مرحوم میرزا محمد حسین نائینی مؤلف کتاب پراج تنبیه الامة و تنزیه الملة در سال ۱۲۷۷ ه. ق در نائین متولد شد، و پس از تحصیل مقام عالی اجتهاد و مرجعیت و تربیت شاگردان زیاد و انجام مبارزات ضد طاغوتی مفصل در سال ۱۳۵۵ ه. ق درگذشت.

در دوره تاریخی که نائینی می‌زیست و نیز پیش از او فقهای بسیار برجسته دیگری نظیر میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا محمد تقی شیرازی، آخوند خراسانی، ملا عبدالله مازندرانی، میرزا محمد حسن آشتیانی و غیره زندگی می‌کردند که در تاریخ فقه سیاسی و حکومتی اسلام نقش و تأثیر تحول‌آفرین اعجاب‌انگیزی داشته‌اند، اما هیچکدام از آنان کتاب معینی در فقه حکومتی تألیف نکردند، بلکه دیدگاههای سیاسی و حکومتی آنان در زندگی شان متبلور بود و در فتاوی که به مناسبت قضایای روز در این زمینه صادر می‌کردند، منحصر می‌شد. و یا اینکه بحثهای پراکنده و غیرمدونی راجع به این موضوع در دروس و آثار فقهی خود بیان می‌کردند، و یا اینکه با نوشتن تأیید و تقریظ به بعضی از کتب مربوط به این موضوع، موضع خود را اعلام می‌داشتند، چنانکه ملا عبدالله مازندرانی و آخوند خراسانی به کتاب تنبیه الامة نائینی تقریظ نوشته و آن را از نظر فقهی مورد تأیید قرار دادند.

۹۵. بلغة الفقیه، ج ۱/۳۵۲-۲۰۹ با تحقیقات محمد تقی آل بحر العلوم.

۹۶. همان مدرک، ج ۳/۲۹۸-۲۱۰.

در این میان از جمله فقهای نامدار و برجسته‌ای که هم در میدان عمل و هم در میدان علم و نویسندگی بطور مشترک دارای اثر بوده، مرحوم «نائینی» است؛ از نظر تاریخ، نائینی را باید یکی از فقهای انقلاب آفرین در تاریخ فقه اسلام به شمار بیاوریم که توانسته است فروع نوینی از فقه حکومتی را براساس اصول القایی ائمه معصومین تفریع و تأسیس نماید.

نائینی کتاب ارزشمند و قدرناشناخته تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملة را در این زمینه نگاشت، او این کتاب را برای موجه جلوه دادن تأسیس نظام مشروطه به جای نظام استبدادی سلطنت مطلقه حکام جور، به عنوان «دفع افسد به فاسد» به رشته نگارش کشید.

کتاب تنبیه‌الامة دارای پنج فصل مستقل و یک خاتمه است. در فصل اول آن، ماهیت و مفهوم نظام سیاسی در بینش فقهی بررسی شده است.^{۹۷}

در فصل دوم بر این مطلب استدلال شده که بر فرض اینکه کسی ولایت عامه فقیه را نیز قبول نداشته، چاره‌ای ندارد جز اینکه حکومت فقیه را بر حکومت جائرانه غیر فقیه ترجیح و اولویت بدهد. بنابراین در زمان غیبت، حکومت فقیه نسبت به دیگران دارای اولویت است.

در فصل سوم درباره خصوص نظام مشروطه که مسئله روز عصر نائینی بوده بحث شده و تبیین گردیده که تا چه اندازه این نظام با نظام مورد قبول اسلام که همان نظام ولایت و حکومت فقیه باشد، سازگاری و هماهنگی دارد و در چه مواردی با آن متفاوت است. در فصل چهارم نیز به شبهات و سوالاتی از این قبیل که آیا مفاهیمی مانند تأسیس مجلس شورای اسلامی، حریت و مساوات و غیره «بدعت» نیستند، پاسخ مناسب داده و میزان انعطاف و انطباق مفاهیم اسلامی با شرایط مختلف را نشان می‌دهد.

در فصل پنجم نیز راجع به شرایط مشروعیت مداخله نمایندگان مردم در امور سیاسی و حکومتی سخن گفته است.

نائینی در خاتمه کتابش درباره استبداد و نظام استبدادی، به گونه انتقادی و تحلیلی بحث جالبی را مطرح نموده و پس از استنتاج، کتاب خود را به پایان برده است. این کتاب را از دو بعد، می‌توان مورد بررسی قرار داد، یکی از نظر گرایش به نظام مشروطه، دوم از نظر کلی ولایت فقیه و فقه حکومتی اسلام و سبک استدلال نوینی که در این زمینه به کار برده شده است. از بعد اول باید گفت نائینی با توجه به لزوم شرعی دفع افسد به فاسد، لازم می‌دانسته است در آن شرایط تاریخی، نظام سلطنتی مطلقه و استبدادی جای خود را به نظام مشروطه بدهد، و قوانین نیز فقه اسلام باشد. او نظام مشروطه را نظام اصلی اسلامی نمی‌دانسته است.

از نظر دوم باید گفت در زمینه این نوع نگارش درباره فقه حکومتی و نظام ولایت فقیه

۹۷. تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملة، با مقدمه و حواشی مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی، چاپ شرکت سهامی انتشار.

یک فقیه مبتکر است و نخستین فقیه امامی است که با صراحت تمام فقه حکومتی اسلام را در عمل می‌خواسته و خواستار «تعویض نظام حکومتی» بوده است. فقهای قبلی در کتابهای خویش، مباحث ولایت فقیه را بحث می‌کردند، اما بدون اینکه به مصداق خارجی آن توجهی داشته باشند و خواستار تعویض نظام حکومتی باشند. مرحوم نائینی برای اولین بار از موضع یک فقیه خواستار تعویض نظام حکومتی با استناد به ادله فقهی و شرعی گردید، و مطالب کتاب او توسط بزرگترین فقیه و مرجع تقلید وقت یعنی آخوند خراسانی - صاحب کفایه - و ملا عبدالله مازندرانی مورد تأیید قرار گرفت.^{۹۸} با توجه و تأکید به نکته یاد شده است که باید گفت نائینی نقش جدی تحول آفرین در تاریخ فقه حکومتی اسلام داشته است و کتاب تنبیه‌الامه او بیش از این شایسته توجه و تدقیق است.

مرحوم نائینی به سبک کلاسیک حوزه‌ای سابق نیز راجع به ولایت فقیه سخن گفته که جالب است، و خلاصه مطالب او را در این زمینه یکی از شاگردان دوره دروس خارجش «مرحوم آیه‌الله آملی» به صورت «تقریرات» نوشته و چاپ کرده است.^{۹۹}

۹ - آیت‌الله شهید مدرس: آیت‌الله سید حسن مدرس قمشه‌ای معاصر آیت‌الله نائینی و مانند او یکی از برجسته‌ترین شاگردان آخوند خراسانی و سید کاظم یزدی صاحب عروه بود. او به خاطر عمق و اصالت مطالب و حسن شیوه‌ای که در تدریس علوم اسلامی در حوزه‌های علمیه داشت به عنوان «مدرس» مشهور گردید. مدرس در سال ۱۲۸۷ ه.ق در روستای زواره از توابع اردستان به دنیا آمد و در قمشه و اصفهان بزرگ شد و در سال ۱۳۱۹ ه.ق، پس از تحمل ده سال زندان انفرادی در یکی از دورافتاده‌ترین نقاط ایران به نام «خواف» در شهر کاشمر توسط مأمورین رضاخان، به شهادت رسید. مدرس یکی از برجسته‌ترین چهره‌های اصیل در تاریخ فقه سیاسی و حکومتی اسلام است، هرچند که در آثار فقهی و اصولی باقی مانده از معظم‌له، کتاب مستقلی درباره فقه سیاسی و حکومتی اسلام به چشم نمی‌خورد، لکن سیره عملی او به اضافه نطق‌های مکتوب وی که از مجلس شورای ملی دوره دوم تا ششم باقی مانده، در مجموع ذخیره ارزشمندی در تاریخ قانون‌گذاری اسلامی و فقه حکومتی اسلام است.

مدرس در خطابه‌های مفصل و متین خود در دفاع از قوانین و یا رد، و یا حک و اصلاح آنها، مجموعه‌ای نمونه از فقه حکومتی و شیوه تقنین در اسلام را ارائه داده است، و گاهی

۹۸. یک نسخه از کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله با تقریظ صاحب کفایه و ملا عبدالله مازندرانی به شماره مسلسل ۴۸۲۷ (۴۸۲۸) در کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی در قم موجود است.

۹۹. العکاسب والبیع من تقریرات بحث العلامة النائینی، ج ۲/۳۴۲-۳۳۲ تقریر شیخ محمدتقی آملی، تهران، مکتبه البوذرجمهوری - مصطفوی - ۱۳۳۳ ه.ش.

نکات بسیار اساسی را نیز در تبیین فقه و فلسفه سیاسی اسلام بیان داشته است. چنانکه ضمن نطق استیضاحیه‌ای که در تاریخ ۲۱ جوزای ۱۳۰۲ خورشیدی جلسه دوشنبه مجلس شورای ملی بیان کرده، نکات جالبی از جمله مطالب ذیل به چشم می‌خورد:

«منشأ سیاست ما دیانت است، ما با تمام دنیا دوستیم مادامی که متعرض ما نشده‌اند، هرکس متعرض ما بشود، متعرض او خواهیم شد. همین مذاکره را با صدراعظم شهید عثمانی کردم، گفتم اگر کسی بدون اجازه ما وارد سرحد ایران شود و قدرت داشته باشیم، او را با تیر می‌زنیم، خواه کلاهی باشد، خواه عمامه‌ای، خواه پاشو به سر داشته باشد، بعد که گلوله خورد و زمین خورد، دست می‌کنیم ببینیم ختنه کرده است یا نه؟ (خنده حصار) اگر ختنه کرده بود بر او نماز می‌خوانیم و اگر ختنه نکرده، او را بدون نماز دفن می‌کنیم، دیانت ما عین سیاست ماست، و سیاست ما عین دیانت ماست...»^{۱۰۰}

مدرس ضمن همین نطق‌های پربار مجلس شورای ملی، اصول کلی را در زمینه سیاست خارجی به دست داده است که تحت عنوان «سیاست موازنه عدمی و وجودی» پایه یک فلسفه سیاسی اسلامی نوین و بی‌سابقه‌ای را پدید آورده است.^{۱۰۱} آیت‌الله شهید مدرس کتاب مستقلی نیز در باب فقه قضایی اسلام به شیوه جدید که از انواع مباحث فقه حکومتی به اسلوب قانون‌گذاری‌های نوین است، دارد و به نام اصول تشکیلات عدلیه به چاپ رسیده است. مدرس این کتاب را با همکاری حاج آقا امام جمعه خوئی و مشیرالدوله - وزیر عدلیه وقت - نوشته و از تصویب مجلس شورای ملی نیز گذشته است.^{۱۰۲}

۱۰ - آیت‌الله العظمی بروجردی: حضرت آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی یکی از قوی‌ترین فقها و مراجع تقلید در تاریخ اسلام است که در سال ۱۲۹۲ ه.ق در شهر بروجرد متولد و در سال ۱۳۴۰ ه.ش در شهر مقدس قم درگذشت. او یکی از مصلحین جهان اسلام و منادیان وحدت شیعه و سنی و نیز از پیشگامان تبلیغات خارجی اسلام در دنیا بود، لذا نمایندگیهای ارشادی و تبلیغی متعددی در سراسر جهان داشت.

آیت‌الله بروجردی یکی از فقهای معتقد و مثبت «ولایت فقیه» و استوانه‌های قابل اعتماد در تاریخ فقه حکومتی اسلام است. خلاصه عقاید و فتاوی او درباره ولایت فقیه را، شاگرد ممتاز آن بزرگوار و مقرر توانمند درسهای فقه و اصول فقہش، فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری در کتابی به نام البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر تقریر نموده که بسیار جالب و شایسته دقت است.^{۱۰۳}

۱۰۰. مدرس، ۵۵/۱، از انتشارات بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران.

۱۰۱. همان مدرک، ج ۱/۱۵۹.

۱۰۲. چاپ سوم اصول تشکیلات عدلیه توسط جهاد دانشگاهی و دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۶۵ ه.ش به چاپ رسیده است.

۱۰۳. البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر / ۵۸-۵۰، چاپ قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.

بعد از آیت‌الله بروجردی نیز فقهای اسلام همچنان به بحث و بررسی درباره ولایت فقیه و حکومت اسلامی ادامه داده و هرکدام از آنان، اثری در این زمینه از خود به یادگار گذاشته‌اند که به لحاظ پرهیز از اطاله کلام به جز دو نمونه، از نقل بقیه آنها صرفنظر شد. حضرات آیات عظام گلپایگانی، مرحوم شیخ عبدالکریم زنجانی و مرحوم سید عبدالله شیرازی از جمله فقهای معاصر هستند که در این زمینه سخن گفته و مطلب نوشته و ولایت فقیه را ثابت کرده‌اند.^{۱۰۴}

۱۱ - حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله العالی: حضرت امام خمینی یکی از بزرگترین فقهای تاریخ اسلام و دارای آثار و تألیفات متعدد و بسیار عمیقی در زمینه‌های فقه، اصول فقه، حکمت، عرفان، اخلاق و حدیث هستند. ایشان نخستین فقیه و مجتهد از سلسله فقهای عظام شیعه در طول عصر غیبت امام زمان(عج) هستند که توانسته‌اند زمینه و امکانات عمل به دستورات اسلام و اجرای مقررات و قوانین فقه اسلام را آماده نمایند. طلوع خورشید امام خمینی در تاریخ فقاها و مرجعیت شیعه بزرگترین نعمتی است که نصیب اهل حق و پیروان طریقه مقدس آل محمد علیهم‌السلام گردیده است.

از فقهای معاصر، مرحوم آیت‌الله نائینی با استمداد از مفاهیم فقهی، اندیشه تغییر و تعویض نظام حکومتی را مطرح کرد، لکن نه به گونه شایسته و کامل، بلکه از باب لزوم دفع افسد به فاسد، تغییر نظام سلطنت مطلقه و استبدادی به سلطنت مشروطه با اعمال قوانین اسلام از طریق مجلس شورا را مطرح نمود.

اما امام خمینی برای نخستین بار لزوم سرنگونی نظام سلطنتی را در هر شکل و قواره‌ای که باشد، و جایگزینی آن به «نظام حکومت اسلامی» مطرح فرمودند و این موضوع، عظیم‌ترین حادثه و تحول در تاریخ فقه حکومتی اسلام است.

سخنان امام خمینی در زمینه ولایت فقیه، حکومت اسلامی و اسلوب آن، یک مورد و دو مورد نیست که بتوان نقل کرد. اعظم محتوای کتاب ماندگار صحیفه نور (که تاکنون هجده جلد آن به چاپ رسیده) همین مطالب مربوط به فقه سیاسی و حکومتی اسلام و کیفیت اداره جامعه در نظام اسلامی است. امام بزرگوار امت علاوه بر مجموع این بیانیها و خطابه‌ها، مسئله ولایت فقیه و حکومت اسلامی را به شیوه حوزوی و رایج آن هم در کتاب

۱۰۴. از آیت‌الله گلپایگانی در این باره کتاب الهدایة الی من له الولاية با تقریر آقای صابری منتشر شده، و مرحوم شیخ عبدالکریم زنجانی نیز مطالب مفصلی راجع به فقه سیاسی و حکومتی اسلام را در کتاب ارزشمند الفقه الارقی فی شرح العروة الوثقی جزء اول مرقوم داشته است که تقریباً اکثر محتوای آن کتاب را در بر می‌گیرد. مرحوم آیت‌الله شیرازی آن را ضمن کتاب القضاء، ج ۱/ ۵۸-۲۹، چاپ نجف مورد بحث قرار داده است.

ارزشمند خود به نام کتاب البیع^{۱۰۵} و نیز در کتاب مستقلی بنام ولایت فقیه مطرح فرموده‌اند. مباحث مربوط به ولایت فقیه از کتاب البیع امام، اخیراً به زبان فارسی نیز ترجمه و منتشر شده است.^{۱۰۶}

در اینجا برای روشن تر شدن هرچه بیشتر دیدگاه حضرت امام امت به ولایت عامه فقیه که همه اختیارات حکومتی پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام را در برمی گیرد، یکی از آخرین نظرات معظم له که خطاب به جناب حجت الاسلام سید علی خامنه‌ای و به عنوان تصحیح یک مطلب منقول از ایشان، بیان فرموده‌اند نقل می‌کنیم. متن سخنان ایشان از این قرار است:

«جناب حجة الاسلام آقای خامنه‌ای رئیس محترم جمهور، دامت افاضاته.

... از بیانات جنابعالی در نماز جمعه اینطور ظاهر می‌شود که شما حکومت را که به معنای ولایت مطلقه‌ای که از جانب خدا به نبی اکرم ﷺ واگذار شده، واهم احکام الهی است، و بر جمیع احکام فرعیه تقدم دارد صحیح نمی‌دانید، و تعبیر به آنچه که اینجانب گفته‌ام حکومت در چارچوب احکام الهی دارای اختیار است، بکلی برخلاف گفته‌های اینجانب است. اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعیه الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفروضه به نبی اسلام ﷺ یک پدیده بی‌معنا و بی‌محتوا باشد.

اشاره می‌کنیم به پیامدهای آن که هیچ کسی نمی‌تواند ملتزم به آن باشد. مثلاً خیابان‌کشیها که مستلزم تصرف در منزلی است، یا حریم آن است در چارچوب احکام فرعیه نیست. نظام وظیفه و اعزام الزامی به جبهه‌ها و جلوگیری از ورود و خروج ارز، و جلوگیری از ورود و خروج هر نوع کالا و منع احتکار در غیر دو، سه مورد، و گمرکات و مالیات و جلوگیری از گرانفروشی، قیمت‌گذاری، و جلوگیری از پخش مواد مخدر و منع از اعتیاد به هر نحو غیر از مشروبات الکلی، و حمل اسلحه به هر نوع که باشد، و صدها امثال آن که در اختیار دولت است بنا به تفسیر شما خارج است. باید عرض کنم حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله ﷺ است یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد و یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند، و پول منزل را به صاحبش رد کند، حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد در صورتی که دفع ضرر، بدون تخریب نشود خراب کند، حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در مواقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی یا غیرعبادی باشد که جریان آن مخالف اسلام است از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند.

۱۰۵. کتاب البیع، ج ۲/ ۵۲۰-۴۵۹، قم، موسسه اسماعیلیان.

۱۰۶. این کتاب به نام شتون و اختیارات ولی فقیه، توسط وزارت ارشاد اسلامی ترجمه و منتشر شده است.

حکومت می‌تواند از حج که از فرائض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند. آنچه گفته شده است تاکنون و یا گفته می‌شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی است. آنچه گفته شده است که شایع است مزارعه و مضاربه و امثال آنها با این اختیارات از بین خواهد رفت، صریحاً عرض می‌کنم که فرضاً چنین باشد، این از اختیارات حکومت است و بالاتر از آن هم مسائلی است که مزاحمت نمی‌کنم و...^{۱۰۷}»

چنانکه ملاحظه فرمودید، معظم‌له نه تنها تأسیس حکومت و نصب دولت را از شئون و اختیارات مقام ولایت فقیه معرفی می‌کند. بلکه همه اختیارات ولایتی مطلقه و عامه نبی اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام را نیز از آن ولی فقیه در عصر غیبت معرفی می‌کند.

۱۲ - حضرت آیت‌الله العظمی منتظری: اگر تاریخ فقه حکومتی اسلام را به یک هرم بلند تشبیه کنیم که همچنان در حال رشد و صعود است، مسلماً در رأس این هرم کسی جز امام خمینی و قائم مقام معظم ایشان، قرار ندارند. آیت‌الله العظمی منتظری با کسب دانش از خرمن فضل فقهای اصیل و جامعی همچون آیت‌الله العظمی بروجردی و حضرت امام خمینی و دانشمندان و فضیلهای دیگر و نوشتن تقریرات دروس آیت‌الله العظمی مرحوم بروجردی، عملاً نشان داده است که بعد از حضرت امام امت، در رأس این هرم شکوهمند تاریخ فقه قرار دارد.

البته کسانی همچون فقیه شهید آیت‌الله صدر نیز در این هرم تاریخی جایگاه شایسته‌ای دارند، بویژه با توجه به سیره عملی آن شهید در بعد سیاسی و نیز با توجه به آثار گرانقدری که در فقه حکومتی از قبیل کتاب ارزشمند اقتصادنا^{۱۰۸} و مجموعه سلسل اسلام یقود الحیاة^{۱۰۹} از خود به یادگار گذاشته، لکن با همه اینها باید خالصانه اعتراف کرد که جایگاه فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری هم از نظر سیره سیاسی و سوابق مجاهده و مبارزه با طاغوت و هم از نظر نگارش و تدوین فقه حکومتی اسلام، جایگاهی ویژه و بی‌نظیر است.

فقیه عالیقدر سی سال پیش که تقریرات درس خارج فقه آیت‌الله بروجردی را به نام البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر نوشته و منتشر ساخته است، راجع به مباحث ولایت فقیه آن کتاب در پاورقی، خودش نیز به عنوان یک مقرر مجتهد، اظهار نظر فرموده

۱۰۷. مجله حوزه، سال چهارم، شماره ۲۳/۲۲

۱۰۸. اقتصادنا نام کتاب فقهی و استدلالی شهید محمدباقر صدر رحمته‌الله علیه درباره فقه مالی و اقتصاد اسلامی است که متن عربی بارها در بیروت، عراق و ایران به چاپ رسیده است، از این کتاب دو ترجمه جداگانه به فارسی انجام گرفته که از آن میان می‌توان ترجمه مهدی فولادوند را ترجیح داد.

۱۰۹. عنوان سلسله جزوه‌هایی است از شهید صدر که مفاهیم اجتماعی، سیاسی و حکومتی اسلام را مورد بحث قرار داده و تاکنون پنج جزوه آن توسط دارالتعارف للمطبوعات (بیروت) چاپ شده است.

است و آن مباحث را می‌توان نخستین نوشته معظم‌له در باب فقه حکومتی اسلام به شمار آورد. معظم‌له بعد از نگارش کتاب یاد شده، همت عالی خود را در بررسی تهذیب و تدریس فقه مالی و اقتصادی اسلام به کار برده و کتابهای ارزشمندی همچون کتاب الخمس والانفال^{۱۱۰} و کتاب الزکاه^{۱۱۱} را تدریس و سپس تدوین و منتشر فرمودند. چنانکه مباحث مفصلی را نیز در زمینه مباحث کیفری و جزائی فقه حکومتی اسلام یعنی حدود و تعزیرات، تدریس و سپس به صورت کتاب مستقلی به نام کتاب الحدود منتشر فرمودند^{۱۱۲}. فقیه عالیقدر علاوه بر کتابهای حوزه‌ای یاد شده، ضمن پیامها، بیانیه‌ها و خطابه‌هایی که در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی برای روحانیون، مردم و مسئولین کشور ایراد فرموده‌اند، بسیاری از خطوط فکری و فقهی مربوط به حکومت اسلامی، ولایت فقیه و کیفیت اداره اسلامی یک جامعه مسلمان را تشریح و تبیین فرموده‌اند که مجموع آنها بیش از چند صد ساعت نوار است و برخی از اینها نیز تحت عنوان پیامهای فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری به چاپ رسیده است.

معظم‌له یک سلسله بحثهای عمیقی نیز روی «نهج البلاغه» انجام داده و حدود سیصد ساعت نوار در این زمینه ضبط و برخی از آنها نیز به صورت کتاب منتشر شده است. این سلسله درسهای نهج البلاغه نیز دارای عناصر و مواد فراوانی از فقه سیاسی و حکومتی اسلام هستند. لکن اینها همه آثار علامه بزرگوار و فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری در زمینه فقه حکومتی اسلام نیست، بلکه عظیم‌ترین و بی‌سابقه‌ترین اثر او در این زمینه کتاب مفصل و چند جلدی موسوم به *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة* است که آن را در مدت بیش از چهار سال برای روحانیون و فضلالی حوزه علمی قم به صورت درس خارج تدریس فرموده و هنوز ادامه دارد. و سپس شخصاً مطالب آن را به قلم خود نوشته و تحت عنوان بالا منتشر کرده‌اند.

این کتاب ویژگیهای زیادی دارد که هیچ‌یک از آثار و تألیفات قبلی مجموعه آنها را ندارد برخی از ویژگیهای مهم این کتاب را می‌توان به گونه ذیل برشمرد:

- ۱- اسلوب و نظم و تبویب شیوا و فوق‌العاده و ادبیات عربی استوار و کم‌نظیری که در این کتاب به کار گرفته شده و در کتب مشابه دیده نمی‌شود.
- ۲- بحث مستقل و بی‌نظیری با بینش فقهی راجع به فلسفه سیاسی اسلام، در زمینه مربوط به منشأ پیدایش حکومت از نظر اسلام، که زمینه تدوین مفصل و جامع فلسفه سیاسی اسلام را پدید آورده است.

۱۱۰. کتاب الخمس والانفال از طرف انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم چاپ شده است.

۱۱۱. کتاب الزکاه از طرف مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی قم چاپ شده است.

۱۱۲. کتاب الحدود، توسط انتشارات دارالفکر قم به چاپ رسیده است.

۳- اتخاذ شیوه بی سابقه و نوینی از بحث برای اثبات لزوم حکومت اسلامی و ولایت فقیه. بدین گونه که به جای تمسک و استدلال اولیه به روایات مثبتة ولایت فقیه، به این صورت وارد مطلب شده‌اند که آیا اصولاً برای اداره جامعه از نظر اسلام، حکومت و دولتی لازم هست یا نه، بعد از اثبات لزوم آن از طرق معتبره اوصاف لازم در حاکم اسلامی را بیان کرده و آن را به فقیه جامع‌الشرایط تطبیق داده‌اند و بدین طریق مطمئن‌ترین و متقن‌ترین راه را برای اثبات حکومت اسلام و ولایت فقیه اتخاذ کرده‌اند که در تاریخ فقه بی سابقه است.

۴- یکی دیگر از ویژگیهای این کتاب تطبیقی بودن شیوه فقهی آن است که مانند علامه حلی، شیخ طوسی، شهید ثانی و غیره، آرای فقهای مذاهب دیگر را نیز که در مسائل و فروع مطرح شده، نقل و نقد و بررسی کرده‌اند.

۵- برجسته‌ترین ویژگی این کتاب ارزشمند این است که به بحث ولایت فقیه و ذکر اجمالی شئون و اختیارات او اکتفا نکرده، بلکه فقه‌الدولة الاسلامیه را نیز به گونه تبویب شده بدان افزوده‌اند.

نوشتن یک کتاب جامع که در بردارنده همه مسائل اصولی و مهم فقه حکومتی اسلام از ولایت فقیه گرفته تا کیفیت اداره کشور، اخذ مالیات و اجرای حدود و تعزیرات و انجام جنگ و صلح و غیره باشد، در تاریخ فقه امامیه سابقه نداشته است، مباحث مربوط به این موضوعات در ابواب مختلف کتب فقهی پخش و پراکنده بوده است، لکن فقیه عالیقدر نخستین مجتهد و مرجعی هستند که دست به این کار فوق‌العاده زده و کتاب فقهی جامعی در تقریر و تبیین مبانی و فروع فقه حکومتی اسلام، نوشته‌اند.

از این رو، تألیف و انتشار این کتاب را باید یکی از عظیم‌ترین تحولات در تاریخ نگارش فقه حکومتی اسلام به شمار بیاوریم و مانند آثار فقهی محقق حلی، شهید اول، شیخ طوسی و سایرین، این کتاب بی نظیر نیز می‌تواند محور و متن اصلی پژوهشها و تحقیقات و تعلیقات فقهی و فتوایی فقها و مجتهدین معاصر و آینده اسلام قرار بگیرد. چرا که پدید آوردن چنین کتاب بی نظیر توسط فقیه جامع‌الشرایطی مانند آیت‌الله العظمی منتظری، به این سادگی قابل تکرار نمی‌باشد، چنانکه پدید آوردن متنی همانند جواهرالکلام در فقه عمومی اسلام به این سادگی امکان‌پذیر نیست.

روش علمی و شخصیت فقهی استاد

۱ - از خانه تا مدرسه

تقویم هجری شمسی رقم ۱۳۰۱ را نشان می‌داد که در یکی از خانه‌های گلین و پر از معنویت شهر نجف آباد اصفهان که به یک مؤمن آزاده و زحمتکش بنام «حاج علی منتظری» تعلق داشت، نوزادی پاک‌نهاد از مادری با تقوا، متولد شد. حاج علی نام فرزند گرامی خود را «حسینعلی» نهاد که با گذراندن مقدمات و مراحل مختلف تحصیل در علوم اسلامی به مقام رفیع فقاہت و اجتهاد نائل آمد، و برای مردم آزاده ایران و مردم سراسر جهان به عنوان «آیت‌الله العظمی منتظری» شناخته شد. خداوند جهان چنین مقدر فرموده بود که او صدیق‌ترین یار و نیرومندترین هم‌رزم فقیه اعظم عصر ما حضرت امام خمینی در راه سرنگون‌سازی نظام طاغوت و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران باشد، که چنین شد. او از سن ۷ - ۶ سالگی آموختن مقدمات عربی و سایر مسائل اسلامی را نزد پدرش آغاز نمود، و همزمان در مدرسه متعلق به مرحوم ملا حسینعلی مسجدی معروف به «مدیر» به آموختن درسهای فارسی پرداخت. تا ۱۲ سالگی همچنان نزد پدر خود به تحصیل ادامه داد. سپس مدت کوتاهی نیز به همراه دو نفر از آقایان نجف‌آباد عازم قم شده و در آنجا اقامت گزید، اما بعد از مدتی همراه آنان به نجف‌آباد بازگشته و پس از آن در حالی که ۱۲ سال بیشتر نداشت، وارد حوزه علمی اصفهان گردید و محضر اساتید آن حوزه را درک نمود. ایشان با استعداد و جدیت فوق‌العاده‌ای که داشت بزودی در ردیف بهترین شاگردان حوزه علمی اصفهان قرار گرفت. او کتب رسمی درسی حوزه‌ها را تا شروع مکاسب و رسائل شیخ انصاری در اصفهان ادامه داد. و این درحالی بود که در اثر هوش سرشار و مطالعه آزاد خود، معلومات و توان علمی زیادی اندوخت، به گونه‌ای که گفته شده می‌توانست برخی از کتب فقهی و فلسفی را بدون استاد مطالعه کند. پس از این مرحله، از اصفهان به قم مهاجرت نموده و مشغول تحصیل گردید. در بدو ورود به قم با طلبه فاضلی به نام «مرتضی مطهری»

آشنا شد که اکنون ما آن بزرگوار را نیز به عنوان علامه شهید مطهری می شناسیم. آیت الله العظمی منتظری وقتی که وارد حوزه علمیه قم گردید، نوزده سال بیشتر نداشت. در بدو ورود در «مدرسه حاج ملاصادق» ساکن شد و سپس به اصرار دوست خود مطهری در «مدرسه فیضیه» سکونت گزید.

۲ - اساتید مشهور:

آیت الله العظمی منتظری پس از ورود به قم در محضر رجال بسیار مهم و برجسته‌ای درس خوانده است که نامدارترین آنان عبارتند از:

۱ - آیت الله داماد: سید محمد یزدی معروف به محقق داماد. آیت الله منتظری نزد مرحوم داماد، کفایة الاصول و درس خارج را تلمذ می نمودند. ایشان از جمله مجتهدین بزرگ حوزه علمیه قم در این اواخر بوده است که برای نسل کنونی بی نیاز از معرفی است.

۲ - آیت الله حجت: مرحوم آیت الله حجت تبریزی مؤسس و بانی «مدرسه حجتیه» یکی از مراجع تقلید و فقهای نامدار اخیر اسلام است که بعد از فوت مؤسس حوزه علمیه قم آیت الله شیخ عبدالکریم یزدی، در میان مراجع ثلاثه آن زمان از بقیه شاخص تر بوده است. آیت الله العظمی منتظری یکی از شاگردان دوره درس خارج آن بزرگوارند.

۳ - آیت الله بروجردی: یکی دیگر از اساتید اصلی و مؤثر حضرت آیت الله منتظری، فقیه و مرجع عالیقدر جهان اسلام قبل از امام خمینی، حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی است. آیت الله منتظری هم در دوران اقامت آیت الله بروجردی در شهر بروجرد به حضور آن بزرگوار رسیده است و استفاده نموده است، و هم در دوران مرجعیت و اقامت او در حوزه علمیه قم. آیت الله منتظری تنها کسی است که هم تقریرات درس خارج اصول فقه و هم درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی را نوشته است. نام تقریرات اصول فقه او کتاب نه‌ایة الاصول است که در سال ۱۳۷۵ هجری قمری یعنی سی و سه سال پیش نوشته و چاپ شده است.^۱ و بخشی از تقریرات درس فقه را نیز در همان ایام نوشته و به نام البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر چاپ کرده است. از امتیازات این دو کتاب این است که آقای منتظری در آن زمان انتقادات و نظرات خود را نیز در پاورقی کتاب آورده است. از نظر علما و اهل خبره نوشتن این نوع کتاب و در این سطح، علامت داشتن اجتهاد نویسنده آن است. روی این اصل آیت الله العظمی منتظری، بیش از سی و سه سال پیش یک مجتهد و

۱. کتاب نه‌ایة الاصول تقریرات درس خارج آیت الله العظمی بروجردی، به قلم آیت الله العظمی منتظری در سال ۱۳۷۵ هـ.ق در قم، چاپخانه حکمت طبع و نشر یافته و به تازگی نیز توسط انتشارات ایران - قم، افست شده است.

فقیه متبحر و کامل بوده است و به همین خاطر است که آیت‌الله شهید صدوقی درباره ایشان چنین گفته است:

«والله در اینکه منتظری یک نفر فقیه جامع‌الشرایط است جای شبهه نیست، نه حالا فقیه شده باشد، بلکه در حدود سی سال است یا بیشتر، آقای منتظری مجتهد جامع‌الشرایط به تمام معناست.»^۲

شخصیت ممتاز علمی، فقهی، اجتماعی و سیاسی آقای منتظری از همان ابتدا برای آیت‌الله بروجردی روشن بوده است، لذا ایشان را در سنین جوانی به عنوان نماینده خود برای مدتی به نجف آباد می‌فرستد. آیت‌الله منتظری آنچنان مورد احترام آیت‌الله بروجردی بودند که حتی بالای منبر تدریس از او تعریف کرده است و آقای منتظری خودشان نیز در یکی از دفاعیه‌های خود در دادگاه نظامی دوران طاغوت - از باب ضرورت - به این نکته اشاره فرموده‌اند. آیت‌الله آذری قمی در این زمینه می‌گوید:

«...آیت‌الله منتظری مورد توجه آقای بروجردی بود و در درس فقه و اصول شرکت می‌کرد، و... از خصوصیات مرحوم آیت‌الله بروجردی این بود که اجازه نمی‌داد کسی درسش را چاپ کند و اجازه اجتهاد نمی‌داد، و خیلی در این جهت احتیاط می‌کرد، ولی در مورد آیت‌الله منتظری، کتاب صلاة جمعه و نماز مسافر را که تقریرات درس آن مرحوم است، اجازه داد چاپ کند و آثارش هم موجود است، و این یک امتیازی بود در حوزه علمیه و...»^۳

خلاصه اینکه آیت‌الله بروجردی باکیاست خاص خود تشخیص داده بود که این شاگرد مبرزش یک مجتهد مسلم است و شایسته ترویج و تأیید.

۴ - امام خمینی: یکی از اساتید برجسته و مؤثر آیت‌الله منتظری در قم، حضرت امام مَدَظَلَه العالی هستند. آیت‌الله منتظری ابتدا در درس اخلاق روزهای پنجشنبه و جمعه امام در مدرسه فیضیه و سپس در درسهای فلسفه و حکمت منظومه و مبحث نفس اسفار ملاصدرا، و بعدها در درس خارج فقه و اصول معظم‌له شرکت می‌کردند.

اگر کسی پرونده‌های دوران طاغوت، بیانات، پیامها و مواضع بعد از انقلاب آیت‌الله منتظری را مطالعه و دقت کند به این نکته جالب توجه خواهد رسید که امام خمینی محبوب‌ترین انسان برای آیت‌الله منتظری بوده و هست. او در سخت‌ترین شرایط زندان و بازجویی عوامل ساواک، با احترام و تجلیل از امام خمینی یاد می‌کند، به گونه‌ای که گویا شیفته فضایل و مکارم وجودی آن فقیه بزرگوار است.

۲. مجله حوزه و کتاب فقیه عالیقدر، ج ۲/۳۲۲، مصطفی ایزدی.

۳. فقیه عالیقدر، ج ۲/۳۲۲، انتشارات سروش، چاپ اول.

آیت‌الله العظمی منتظری با توجه به همین نکته یاد شده است که در دوران تبعید امام از خاک ایران به ترکیه و عراق به عنوان نماینده تام‌الاختیار امام امت در ایران امر سازماندهی و هدایت مبارزه با رژیم طاغوتی را با تمامی دشواریها و مشقتها و گرفتاریهای مختلف آن بر دوش می‌کشید. متقابلاً امام امت نیز برای شخصیت بسیار ممتاز علمی، فقهی و سیاسی این یار صدیق خود اهمیت و ارزش قائل بود که لقب شایسته «فقیه عالیقدر» را به ایشان اعطا کردند.

۳ - تألیفات و آثار علمی:

حضرت آیت‌الله منتظری از اوایل طلبگی تاکنون، خود را به نوشتن مطالب علمی عادت داده‌اند و چنانکه گفته شد حتی دروس خود را نیز می‌نویسند، به برکت اتخاذ همین شیوه و با توجه به مایه علمی عمیقی که در علوم و فنون مختلف اسلامی و اجتماعی دارند، توانسته‌اند کتابهای ارزشمندی تألیف و تصنیف نمایند. ما در این جا آن مقدار از آثار معظم‌له را که به آن آگاهی یافته‌ایم، فهرست‌وار یادآور می‌شویم:

۱ - کتاب *نهاية الاصول*: تقریرات دوره درس خارج اصول فقه استادشان حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله می‌باشد که از اول مباحث الفاظ تا بحث مطلق و مقید را شامل می‌شود. استاد، آن را در سال ۱۳۶۸ هـ - ق و در سنین حدود بیست و پنج سالگی نوشته‌اند، و در مواردی خودشان نیز در پاورقی اظهار نظر نموده‌اند. این کتاب نشان می‌دهد که معظم‌له در آن زمان به درجه رفیع اجتهاد نائل شده‌اند. چاپ اول آن در سال ۱۳۷۵ هـ - ق توسط چاپخانه حکمت قم منتشر شده و چاپ دوم نیز توسط انتشارات ایران - قم بعد از انقلاب اسلامی افست شده است. همچنین ایشان بسیاری از دیگر مباحث اصول فقه آیت‌الله بروجردی را تقریر کرده‌اند که هنوز به چاپ نرسیده است.

۲ - *البدر الزهرا فی صلاة الجمعة و المسافر*: این کتاب نیز مباحث صلاة آیت‌الله العظمی بروجردی در دوره درس خارج فقه است. و مباحث استدلالی نماز جمعه و نماز مسافر موضوع آن است. در همین کتاب است که آیت‌الله بروجردی بطور استطرادی درباره ولایت فقیه نیز بحثهای مفیدی انجام داده‌اند.^۴

۳ - کتاب *الحدود*: کتاب الحدود که پس از انقلاب توسط دارالفکر قم به چاپ رسیده از جمله متون مهم در فقه استدلالی است. فقهای معاصر به این قبیل مباحث حیاتی کمتر می‌پرداختند، اما معظم‌له با توجه به نیازی که جامعه ما به این قبیل بحثها دارد، بعد از انقلاب

۴. بخشهای دیگر دروس *صلوة آیت‌الله بروجردی* را آیت‌الله فاضل لنکرانی به نام *نهاية التقرير* نوشته و به چاپ رسانده‌اند.

آن را برای فضلالی حوزه علمی قم تدریس می کردند که بعداً به صورت کتابی مستقل به چاپ رسیده است. لازم به ذکر است که کتاب الخمس و کتاب الزکاة نیز قبل از به چاپ رسیدن برای فضلالی حوزه علمی قم تدریس شده اند.

۴ - کتاب الخمس والانفال: این کتاب یکی از متون ارزشمند و کم نظیر در فقه استدلالی بویژه در زمینه مسائل خمس و انفال است. اگر کسی این کتاب را با تخصص فقهی و با دید نقد بخواند، این نکته ظریف و مهم را درک خواهد کرد که از نظر عمق استدلال و وسعت آن حتی شاید با کتاب الخمس جواهر قابل تنظیر نباشد. کتاب الخمس و الانفال که حدود چهارصد صفحه حجم دارد، از طرف انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمی قم به چاپ رسیده است.

۵ - کتاب الزکاة: این کتاب نیز مانند کتاب خمس ایشان کم نظیر است و تاکنون دو مجلد آن توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم به چاپ رسیده است.

۶ - دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه: متن عربی این کتاب ارزشمند، بیش از چهار سال، متن درسی دوره درس خارج فقه مباحث ولایت فقیه ایشان برای روحانیون و فضلالی حوزه علمی قم است که محتوای آن را یک دوره کامل فقه حکومتی اسلام به صورت عمیق و استدلالی دربر می گیرد و مجموع آن به چندین مجلد بالغ می شود و می توان آن را «ام الکتاب» و جامع همه تألیفات ایشان تاکنون به حساب آورد.

۷ - مباحث فقهی الغصب والاجارة والوصیه و بسیاری از مباحث درس خارج اصول مرحوم آیت الله بروجردی که ایشان تقریر نموده اند، اما هنوز به چاپ نرسیده و به صورت مخطوط باقی است.

۸ - رساله توضیح المسائل: این کتاب متن فتاوی ایشان برای تقلید مردم در احکام شریعت مقدسه اسلام است و در سال ۱۳۶۲ هـ - ش با اصرار ائمه جمعه و جماعات و فضلالی قم، توسط دفتر تبلیغات اسلامی منتشر شده است. رساله توضیح المسائل ایشان یک دوره فشرده فقه اسلامی از بحث «احکام تقلید» و طهارت تا مباحث حدود و دیات و قصاص است و برخی از مسائل مستحدثه نیز به آخر آن ضمیمه شده است.

۹ - درسهای نهج البلاغه: ایشان از جمله افراد نادری هستند که در سطح مرجعیت با افتخار تمام به تدریس کتاب بی نظیر نهج البلاغه مولی امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته اند. حاصل این تدریس، تاکنون بیش از سیصد نوار ضبط شده است که تعدادی از آنها نیز از نوار پیاده و به صورت کتاب چاپ شده است. اما انتظار آن است که مجموع آنها در آینده به صورت کامل منتشر شود.

۱۰ - مناظره مسلمان و بهایی: این جزوه پر محتوا و جالب که در سال ۱۳۷۰ هـ - ق در مقابل تبلیغات گمراه کننده فرقه ضاله بهایی که از طرف رژیم سلطنتی تقویت می شد، نوشته شده است. البته در آن زمان برای منحرف کردن جهت مبارزه، فرقه ضاله در صدد پاسخ برآمدند که باز استاد در پاسخ به آنان یک جلد کتاب حدود چهارصد صفحه نگاشتند که در آن زمان آیت الله العظمی بروجردی به مصالحتی چاپ آن را صلاح ندانستند. متن خطی آن کتاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط استاد در اختیار حجت الاسلام سید حمید زیارتی (روحانی) قرار گرفت که هم اکنون در مرکز اسناد انقلاب اسلامی موجود است.

۱۱ - دفترهای مطالعات سیاسی: در یکی از اوراق پرونده، ایشان که مأمور ساواک و نماینده دادستان قم و... در رژیم منحوس پهلوی آن را امضا کرده است، از جمله اشیای ضبط شده‌ای که نام برده‌اند، یکی هم چهار جلد دفتر به خط خود ایشان در زمینه مسائل سیاسی معاصر کشورهای مختلف جهان است که توسط ساواک ضبط شده است. و اکنون خبری از سرنوشت آن دفترها در دست نیست.

۱۲ - تاریخ بیست ساله معاصر ایران: ایشان کتابی در تاریخ بیست ساله معاصر ایران (دوران سلطه رضاخان سردار سپه) با عنوان فوق و یا عنوان مشابه نوشته بوده که توسط ساواک ضبط، و به آتش بخاری انداخته می شود، و بدین وسیله قبل از آنکه انتشار یابد، به خاکستر تبدیل می گردد.

۱۳ - مجموعه خطابه‌ها، بیانیه‌ها و پیامها: مجموع سخنرانیهایی که آیت الله العظمی منتظری برای مردم و مسئولین انجام داده‌اند و ضبط شده، حدود ۱۵۰۰ سخنرانی است که خود گنجینه‌ای گرانبها به شمار می آید. هر چند گزیده‌ای از این نوع پیامها و خطابه‌ها به چاپ رسیده است، اما انتظار می رود که در آینده، متن کامل همه این گنجینه ارزشمند از نوار پیاده و به صورت چندین مجلد کتاب مفید در دسترس مردم قرار گیرد.

۴ - ارجاعات امام خمینی

شیوه معمول در میان فقهای عظیم الشان اسلام برای استخراج مسائل و استنباط احکام شرعی از منابع اولیه آن بدین صورت است که شخص فقیه، مجموعه ادله شرعی مربوط به یک مسئله را، اعم از قرآن، سنت، اجماع و عقل، مورد مطالعه و مذاقه قرار می دهد و در صورتی که ادله مربوط به یک مسئله را از هر نظر کافی تشخیص داد، بر آن اساس بدون هیچ تردید و «احتیاطی»، «فتوی» می دهد. اما در صورتی که ادله و یا دلالت آن را نسبت به اثبات مقصود و مسئله مورد اجتهاد کافی نبیند، و ادله قانع کننده دیگری را نیز نتواند پیدا کند، دچار تردید شده و از «فتوی» دادن خودداری می کند، و هرگز قاطعانه نمی گوید که مثلاً

حکم شرعی در فلان مسئله طهارت است یا نجاست، حرمت است و یا حلیت و... بلکه حکم شرعی آن را با قید «احتیاط» بیان می‌کند و می‌گوید «بنابر احتیاط» چنین است. این دیگر فتوی نیست، پایین‌تر از فتوی است، و در اصطلاح فقهی این موارد را «احتیاط» می‌نامند. مقلدین یک مجتهد اعلم می‌توانند در مسائلی که او احتیاط کرده، به مجتهد دیگری که در آن موارد دارای فتوی است مراجعه نمایند.

اگر یک مجتهد موارد احتیاط خود را به مجتهد دیگری ارجاع دهد، و بگوید در همه مسائل احتیاطی من و یا حتی در فلان مسئله بخصوص به فلان مجتهد رجوع کرده و به فتاوی او عمل کنید، از نظر عرف حوزه‌های علمیه و از نظر سیره علما و فقها و بطور کلی از نظر فقهی مفهوم آن این است که من آن مجتهد را بعد از خودم از همه مجتهدین و فقهای دیگر برای تقلید شایسته‌تر می‌دانم، این مسئله را «ارجاع مجتهد به مجتهد دیگر» و یا بطور خلاصه «ارجاعات» می‌نامند، و چنانکه گفتیم در عرف فقها، ارجاع مسائل احتیاطی، بسیار مسئله مهمی است و در عمل مسئله «فالا علم» را که کشف آن برای مردم عادی همیشه یک مشکل اساسی بوده، حل و آسان می‌کند.

معنای اصطلاح «فالا علم» این است که بعد از مجتهد اعلم زنده، از میان مجتهدین و فقهای زنده و موجود، چه کسی نسبت به بقیه در مرتبه اول قرار دارد و «فالا علم» است، یعنی دومین اعلم فقهای عصر است.

نکته مهمی که در رابطه با فقاہت، مقام علمی و مرجعیت حضرت آیت‌الله العظمی منتظری وجود دارد، این است که حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی دامت برکاته، که رهبر انقلاب، فقیه اعظم و مجتهد اعلم زمان ماست، و در اصلحیت و اعلمیت آن بزرگوار هیچگونه شبهه و تردیدی نیست، در بسیاری از موارد، استفتا کنندگان را به فتاوی حضرت آیت‌الله منتظری «ارجاع» داده‌اند.

ایشان این روش ارجاع را هم در مسائل عبادی و شرعی صرف، مانند بعضی فروع حج عمل فرموده‌اند، و هم در مسائل شرعی که به اداره امور کشور مربوط می‌شود، مانند مسئله مفسد فی الارض و برخی مسائل دیات و غیره. و نیز در برخی از موارد اعمال برخی از شئون ولایت فقیه مانند مسئله عفو زندانیان، و مسئله تعیین قضات قبل از تشکیل شورای عالی قضایی و موارد مشابه دیگر.

از این رو، مواردی از این نوع ارجاعات حضرت امام به آیت‌الله العظمی منتظری را در اینجا به عنوان «نمونه» نقل می‌کنیم:

۱ - مسئله احتکار: در تعیین کالاهایی که عنوان «احتکار» بر آنها صدق کند، در میان فقها اختلاف نظر وجود دارد، برخی از فقها در محدوده تنگ‌تر و موارد محدودی مانند گندم

و جو و امثال اینها، عنوان احتکار را صادق می‌دانند، برخی دیگر، قلمرو احتکار را از نظر فقهی بسیار گسترده‌تر از آن می‌دانند، حضرت آیت‌الله منتظری از صنف دوم هستند و در مسئله احتکار وسعت نظر دارند.

امام خمینی مسائل شرعی مربوط به احتکار را به فتاوی‌ای ایشان ارجاع داده‌اند و مجلس شورای اسلامی را مکلف نموده‌اند که در این مورد به فتاوی‌ای ایشان عمل کنند. عین تعبیر معظم‌له در این باره به نقل از حجت‌الاسلام سید احمد آقا خمینی چنین است:

«مجلس شورای اسلامی می‌تواند در مسئله احتکار به فتاوی‌ای حضرت آقای منتظری عمل نماید.»

۲ - مسئله مفسد فی الارض: این مسئله نیز از جمله موارد ارجاع حضرت امام به فقیه عالیقدر است که ضمن آن دستگاه قضایی کشور را موظف کرده‌اند که در صدور احکام مربوط به این موضوع، فتاوی‌ای آقای منتظری را ملاک عمل قرار بدهند.

عین استفتاء آیت‌الله موسوی اردبیلی و پاسخ امام از این قرار است:

حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی دام عزه

اعدام شخص مفسد که در نظر مبارک مورد احتیاط است، به نظر آیت‌الله منتظری جایز است، و این مسئله در محاکم قضایی مورد احتیاج است، اگر اجازه می‌فرمایید در مراجع قضایی طبق نظر ایشان عمل شود.

ادام الله عمر کم الشریف - عبدالکریم موسوی

بسمه تعالی

مجازید طبق نظر شریف ایشان عمل نمائید. روح الله الموسوی الخمینی

۶۶/۵/۹

۳ - تعزیرات مالی: در این مسئله که مرتکبین جرایمی را که حد شرعی معین ندارند، می‌شود با ضربه شلاق تعزیر کرد، هیچ اختلافی در بین فقهای شیعه وجود ندارد، لکن فقهای اسلام در این مسئله که آیا مجرمین را جریمه مالی و یا به اصطلاح «تعزیر مالی» نیز می‌شود کرد یا نه، اختلاف نظر دارند.

آیت‌الله منتظری به جواز تعزیر مالی فتوی داده‌اند. طبق اظهارات جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمد مؤمن، امام امت در پاسخ استفتاء شفاهی آقای مؤمن که در معیت مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین ربانی املشی به عمل آورده‌اند دستور فرمودند که در مسئله تعزیرات مالی به نظر آیت‌الله منتظری عمل شود.

۴ - دیه قطع پا: در این اواخر نیز نشریات خبری و «گزارشی»، خبر کوتاه ولی بسیار مهم ذیل را در این رابطه منتشر کردند:

«امام مسئله مربوط به «دیه قطع پا» را به آقای منتظری ارجاع دادند، قبلاً نیز مسائلی همچون احتکار، مفسد فی الارض، و امثال اینها را ارجاع داده بودند که به معنای این است که ایشان را شخص فالاعلم بعد از خودشان می دانند.»

۵ - مسائل حج: آیت الله سید جعفر کریمی عضو هیئت استفتائیه امام و هیئت استفتائیه فقیه عالیقدر در این باره چنین فرمودند:

«در جریان حوادث خونین مکه در سال ۱۳۶۶، حج برخی از حجاج ناقص شده بود، و تصحیح آنها طبق فتاوی امام خمینی مشکل بود، به خدمت معظم له مراجعه کرده و کسب تکلیف نمودیم. ایشان این مسائل را به آیت الله منتظری ارجاع دادند که طبق نظر ایشان عمل کنیم.»

۶ - حق الحضانه مادر برای اولاد خود: «نیز هم ایشان (آقای سید جعفر کریمی) در این مورد نقل می کنند:

«درباره، مسئله حق الحضانه، مادر نسبت به فرزندان نیز همان وقت از حضرت امام استفتا و کسب تکلیف کردیم. که امام این مسئله و همه مسائل مشکله شرعی را به آقای منتظری ارجاع داده و فرمودند: در این مسئله و در کلیه مسائل مشکله شرعی به نظرات آقای منتظری عمل کنید.»

چنانکه ملاحظه فرمودید، اینها موارد و نمونه هایی از ارجاعات فقهی حضرت امام به آیت الله منتظری است، و نشان می دهد که امام در مسائل شرعی، ایشان را بعد از خود «فالاعلم» می دانند و تنها مجتهد ذی صلاحیت برای مرجعیت مسلمین می شناسند. و در رابطه با مقام فقاہت و مراتب عالیة علمی ایشان، این نظرات امام، حایز اهمیت فوق العاده است، و راجع به فالاعلم بودن حضرت آیت الله منتظری جای هیچ تردیدی باقی نمی گذارد.

۵ - شخصیت فقهی و روش تدریس:

اکنون بیش از نیم قرن است که فقیه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی منتظری دامت برکاته در حوزه علمیه بر کرسی تدریس تکیه زده و شاگردان بسیاری را به جامعه اسلامی تحویل داده است؛ و همان گونه که در بیانیه علما و فضلاء حوزه علمیه قم که در سال ۱۳۴۵ منتشر گردید، آمده است، اکثر فضلاء و طلاب در آن زمان در درس معظم له حاضر شده و از ایشان کسب فیض نموده اند. شخصیت های بزرگواری همچون: مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی، حاج سید موسی صدر، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی، حاج شیخ یوسف صانعی، حاج آقا مجتبی تهرانی، حاج شیخ صادق خلخالی، مهدوی کنی، محمدی گیلانی، انصاری شیرازی،

سید علی محقق داماد، سیدعلی خامنه‌ای، سید محمد خاتمی، هاشمی رفسنجانی، خاتم یزدی، محمدعلی گرامی، یثربی کاشانی، طاهری خرم‌آبادی و صدها عالم و مجتهد دیگر، که اکنون بسیاری از آنان خود استوانه‌ای در حوزه‌های علمیه به شمار می‌آیند.

استاد بزرگوار و فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری در مطالعه و تدوین و نیز تدریس فقه و اصول و استنباط احکام شرعی دارای شخصیت و روش ویژه‌ای هستند که با روش استنباط و مشی فقهی اعظم فقهای امامیه مانند شیخ طوسی، علامه حلی، شهید ثانی، آیت‌الله العظمی بروجردی و دیگران همگون و همسو می‌باشد. این روش و مشی فقهی معظم‌له دارای خصایص و ویژگیهای مثبت فراوانی است که بررسی تفصیلی همه آنها در ابعاد مختلف، مستلزم نوشتن یک کتاب مستقل است. از این رو، در اینجا به گونه بسیار فشرده در دو محور به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف - شخصیت فقهی: اصولاً هر عالم صاحب‌نظر و هر فقیه مجتهد، دارای شخصیت علمی، فقهی ویژه‌ای است که مجموعاً شخصیت فقهی وی را از دیگران متمایز می‌کند. شخصیت فقهی استاد دارای ویژگیهای برجسته‌ای است که با توجه به مطالب گذشته، اهم آن را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱ - درک محافل و مجالس درس و بحث فحول فقه و فلسفه و تفسیر؛ اساتید برجسته‌ای همچون حضرات آیات عظام: بروجردی، امام خمینی، علامه طباطبایی و سایر مراجع عظام و کسب اندوخته‌های بسیار از آنان که پیش از این بحث آن، از نظر خوانندگان گرامی گذشت.

۲ - سابقه ممتد و طولانی در ممارست بر ریزه‌کاریهای فقه و اصول و تدریس مکرر متون متعلق به فقه و اصول و منطق و حکمت، چنانکه خود ایشان ضمن یکی از دفاعیات خود در بیدادگاههای شاه، از باب ضرورت و برای دفاع از آرمانهای انقلاب و حوزه علمیه چنین می‌فرمایند:

«... جای تعجب است که ایشان (جانشین سازمان امنیت قم) دایهٔ مهربانتر از مادر شده‌اند! منی که از مدرسین عالی‌حوزهٔ علمیهٔ قم هستم و بیش از نیمی از فضیلتی قم تا چه رسد به طلاب، سالهای متوالی در درس من حاضر می‌شدند، به فکر تحصیل طلاب و کسب معارف اسلامی آنان نیستم، ولی آقای جانشین ریاست سازمان قم، دلسوز طلاب علوم دینی شده‌اند!»^۵

۳ - اطلاعات وسیع و گسترده از قرآن و نهج‌البلاغه و احادیث و مبانی فرهنگی اسلام.

۵. قسمتی از دفاعیهٔ جالب و شجاعانهٔ آیت‌الله العظمی منتظری در برابر بیدادگاه رژیم ستمشاهی، در سال

۴ - آگاهی گسترده نسبت به رجال حدیث، طبقات روات، و آگاهی به حوادث و وقایع تاریخ اسلام.

۵ - ذهن جوّال و عمیق در بررسی و درک جوانب مختلف مسئله مورد بحث.

۶ - ذوق سلیم و حسن سلیقه در انتخاب بهترین معنی و مفهوم از متون نقلی و قواعد عقلی.

۷ - زمان آگاهی، و بصیرت نسبت به حوادث واقعه.

۸ - اصالت فکر و استقلال رأی.

۹ - تسلط کامل بر منطق و فلسفه و ایجاد ارتباط متعادل بین علوم معقول و منقول.

۱۰ - شجاعت علمی در ابراز نظر و اظهار عقیده.

۱۱ - انسجام فکری و انضباط در جمع‌بندی مسائل و در دست داشتن اصول و مبانی محوری و پایه.

۱۲ - آشنایی بسیار زیاد با فرهنگ توده مردم و عرفیات جامعه.

و ویژگیهای دیگری از این قبیل که در این جا فقط به ذکر عناوین و سرفصلهای آن اکتفا گردید.

ب: روش تدریس: معظم‌له در حوزه تدریس خود نیز دارای برجستگیهای خاصی هستند که اجمالاً تا اندازه‌ای که در چشم‌انداز این مجموعه می‌تواند مفید باشد یادآور می‌شویم:

۱ - روانی و سادگی بیان: ایشان در مقام تدریس و تألیف هر دو، یک روش ساده مقرون به ذهن عرف و عامه مردم را برمی‌گزینند و حتی الامکان از به کار بردن اصطلاحات مشکل و نامفهوم برای مخاطب پرهیز می‌کنند. این شیوه از معظم‌له معروف و مشهور بوده و هست. ایشان مطالب عمیق و نکات لطیف را آنچنان به دور از اصطلاحات پیچیده بیان می‌دارند که مخاطب و دانش‌پژوه در مرحله اول احساس می‌کند گویا ذهنش با این مطالب، قبلاً آشنا بوده که به این سادگی آن را فهمیده است. این شیوه استاد درست برعکس آن کسانی است که به غلط باور دارند، آسان گفتن مطالب علمی اهانت به علم است و پیوسته سخن را در کلماتی مشکل و مطمئن نهان می‌دارند. لذا ایشان با تکرار چند بار رئوس مطالب مهم، به بهتر فهماندن مطلب اصرار می‌ورزند.

۲ - تنظیم درس با نگارش قبلی: از شیوه‌های نیکوی ایشان در مطالعه، تدوین و تدریس، انسجام مطالب و دسته‌بندی مکتوب آن است که به هنگام تدریس نیز از آن سود می‌برند. ایشان هر درسی را، علیرغم مشغله‌های فراوان، با صرف وقت و دقت لازم، پیش از تدریس می‌نویسند و تدریس خود را نیز بر آن اساس قرار می‌دهند که این کار دارای

محسنات و برکات فراوانی است. و این شیوه را از همان اوان طلبگی تا این دوره که عصر فقاہت و مرجعیت‌شان است ادامه داده‌اند. چنانکه در مقدمه همین کتاب (مبانی فقهی حکومت اسلامی) در این باره می‌فرمایند:

«مطالب این کتاب اساساً برای تدریس در جلسات درس آماده گردیده، اما از آن جهت که من از همان اوایل طلبگی رسم و عادت‌م بر این بوده که درس‌هایم را یادداشت کرده و می‌نوشته‌ام، لذا درس و نوشته - گفتار و نوشتار - با اینکه در تبیین و توضیح و تقدیم و تأخیر مطالب، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد، اما هر دو بر یک اساس بنا شده است.»

۳ - بررسی همه‌جانبه مطلب: روش دیگر ایشان در بحث همانگونه که شیوه هر تلاشگر مجتهدی است، بر این است که قبل از هر پیشنهادی، مسئله را مطرح می‌کنند، سپس آیات و روایات مربوط به آن را به صورت کامل می‌آورند و به بحث و بررسی و جرح و تعدیل آن از جهت سند، لغت، مفهوم و منطوق می‌پردازند، آنگاه اگر آیه و روایت و یا اصل و قاعده‌ای معارض آن باشد، مطرح می‌کنند و به رد و ایراد آن می‌پردازند. بعد از آن، مؤیدات را مطرح ساخته و سپس فتاوی فقها و نظر علما و حتی دیدگاه‌های مذاهب مختلف را در مورد مسئله مطرح می‌نمایند و هر کجا احتمال دهند مطلب جدیدی هست، توجه می‌کنند و از مجموع آن نظرات، صائب‌ترین و دقیق‌ترین را برمی‌گزینند. گاهی برای رسیدن به یک مسئله، چند مقدمه اساسی را به صورت مفصل به بحث می‌گذارند تا نهایتاً به گونه‌ای طبیعی و منطقی، نتیجه مطلوب به دست آید. چنانکه در مجموعه مباحث این کتاب برای اثبات ولایت فقیه این راه را پیموده‌اند.

۴ - طرح مسائل به گونه تطبیقی: استاد به پیروی از شیوه مرحوم علامه در تذکره الفقها، شهید در مسالک، شیخ طوسی در خلاف و استاد بزرگوار خویش مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در تمام مباحث فقهی خود در هر بحث معمولاً نقطه نظرها و فتاوی رؤسای مذاهب و علمای برجسته اهل سنت را به صورت تطبیقی نقل نموده و به بحث و مذاکره در اطراف مبانی و طرق استدلال آن می‌پردازند و در همین رابطه به کتب فقهی مرحوم شیخ طوسی و مرحوم علامه حلی که به صورت فقه تطبیقی تألیف شده، اهتمام خاصی ابراز می‌دارند.

۵ - توجه به رجال احادیث: معظم‌له با توجه به اینکه مهارت فوق‌العاده‌ای در طبقات رجال حدیث، بویژه رجال حدیث شیعه دارند، در مقام استنباط احکام از اخبار و روایات، به طبقات رجال توجه دقیق و ویژه‌ای مبذول داشته و از این طریق به صحت و یا ضعف متن حدیث مآثور می‌رسند.

در بسیاری از مواقع در جلسات درس دیده شده که معظم له با پژوهش درباره یک راوی بخصوص و پیگیری این مطلب که وی به کدام طبقه رجال تعلق دارد، انتساب و یا عدم انتساب آن را به یکی از ائمه علیهم السلام، مورد تأیید و یا تردید قرار می دهند که این تسلط گسترده به طبقات رجال حدیث، در استنباط اصولی و درست احکام شرعی از منابع اولیه آن بسیار مؤثر است.

۶- توجه به شرایط صدور روایات: حضرت آیت الله العظمی منتظری در مقام بررسی روایات و احادیث، معمولاً کوشش می کنند زمان دقیق و شرایط اجتماعی، سیاسی حاکم بر زمان صدور روایت را نیز به دست آورند، و از این طریق، مسائل بسیاری را مانند اینکه آیا روایت در شرایط تقیه بیان شده یا در شرایط عادی؟ ناظر به فتاوی مخالف و یا درباری آن زمان بوده یا نه؟ نیز مورد بررسی و نتیجه گیری قرار دهند. به عنوان مثال ایشان در درس خارج فقه شان^۶، درباره اینکه آیا «فیء» نیز مانند غنیمت و غیره «خمس» دارد یا نه، روایتی را از وسائل الشیعه به نقل از تفسیر عیاشی نقل کردند، که ظاهر روایت عیاشی این بود که در فیء نیز مانند غنیمت، خمس وجود دارد. اما این حدیث عیاشی تعارض داشت با احادیث دیگری که می گویند در فیء خمس نیست.

ایشان در مقام حل تعارض این روایات و کشف منشأ آن، هم از مطالعه، تطبیقی و مقارن فقه مذاهب اسلامی استمداد گرفتند، و هم از شیوه «لزوم توجه به شرایط صدور روایت» و با تحقیقات و بحثهای مفصلی که انجام دادند نتیجه گرفتند که روایت مرسله تفسیر عیاشی، گذشته از ضعف سند در مقام محاجه بوده و نمی توان به آن استناد کرد.

۷- توجه به سیر تاریخی فتاوی فقهی: بیشتر فتاوی فقهی مورد اختلاف، دارای تاریخچه ای بخصوص بوده و سیر تاریخی ویژه ای را در طول زمان پشت سر گذاشته است. توجه به این سیر تاریخی و پیگیری علمی دقیق و تطبیقی آن در طول زمان، روشنگر بسیاری از حقایق است و می تواند در استنباط صحیح احکام، بسیار مؤثر واقع شود، حضرت استاد این شیوه را در تحقیقات فقهی خود معمول می دارند. از باب نمونه، ایشان در رابطه با حکم «جهاد ابتدایی» در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) و اینکه فتوی به حرمت آن از چه زمانی در کتب فقهی شیعه راه یافته، تحقیقاتی را مطرح نموده و در این زمینه نتایج قابل توجهی گرفته اند. و ویژگیهای دیگری از این قبیل که باید به صورت مستقل، به تفصیل مورد بررسی قرار داده شود.^۷

۶. درس خارج فقه، مورخ ۱۳۶۶/۱۲/۳.

۷. برای آشنایی بیشتر با مشی فقهی حضرت آیت الله العظمی منتظری به کتاب ارزشمند *قدوة الفقهاء* نوشته فاضل ارجمند *حجة الاسلام علی کورانی* مراجعه فرمایید.

در پایان

در پایان از تصدیع بیش از اندازه اوقات شریف خوانندگان عزیز پوزش طلبیده و جهت بهره‌گیری هر چه بیشتر از دریای پرفیض و خروشان کلام و کتاب حضرت استاد دام‌ظله، شما را تنها می‌گذاریم.

والسلام علی عبادالله الصالحین والحمدلله رب العالمین.

این هدیهٔ ناقابل را
به پیشگاه با عظمت ولی امر،
امام عصر سرور اولیا و پایان بخش اوصیا،
حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
که جهان در انتظار
اقامهٔ قسط و عدل اوست
اهدا می‌کنم که «إِنَّ الْهَدَايَا عَلَىٰ مَقْدَارِ مَهْدِيهَا»
و از ساحت مقدّسش انتظار دارم
با دیدهٔ قبول بدان نگریسته و گوشهٔ چشمی
به این بندهٔ نیازمند به لطف نظر شریفش بیفکند.

توجه:

از خوانندگان بزرگواری که علاقمند به مطالعهٔ این کتاب هستند، تقاضا می‌نماید در
ابتدا مقدمه، بویژه از محور نهم تا آخر را از نظر گذراننده، آنگاه به مطالعهٔ سایر
قسمتهای کتاب پردازند.

والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین